

جایگزینی صنعت گردشگری با درآمد نفت؛

ضرورت تحقق امنیت پایدار

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۶/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۹/۲۰

ارسلان فتحی پور*

محسن قدمی**

عبداله هندیانی***

علی اکبر رضایی****

چکیده

در این مقاله، آسیب‌های اقتصاد وابسته به نفت و قابلیت‌ها و فرصت‌هایی که توجه به صنعت گردشگری ممکن است برای جمهوری اسلامی ایران به همراه داشته باشد، بررسی شده و در پایان به پیامدهای این موضوع بر امنیت ملی کشور پرداخته شده است. فرضیه مقاله این است که صنعت گردشگری ایران ممکن است جایگزین مناسبی برای درآمدهای نفتی کشور و حرکت به سوی توسعه پایدار به‌عنوان یکی از الزامات امنیت ملی پایدار باشد.

واژگان کلیدی: اقتصاد رانتیر، گردشگری، توسعه، امنیت، جمهوری اسلامی ایران.

* دانشجوی دکتری مدیریت امور فرهنگی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران (نویسنده مسئول)

mey_fathi@yahoo.com

** دانشیار دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

*** دانشیار دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

**** استادیار دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

فصلنامه مطالعات راهبردی • سال بیست و یکم • شماره سوم • پاییز ۱۳۹۷ • شماره مسلسل ۸۱

مقدمه

آثار زیان‌بار اقتصاد تک‌محصولی وابسته به نفت کشورمان اکنون بیش از هر زمان دیگری بر تصمیم‌گیران و نخبگان کشور ثابت شده و همگان بر ضرورت تغییر این وضعیت و توسعه اقتصادی کشور در ابعاد و حوزه‌های مختلف تأکید دارند. اقتصاد رانتیر وابسته به نفت به یقین نمی‌تواند امنیت‌ساز باشد و به امنیت ملی پایداری منجر شود، چنین کشوری با کم‌ترین نوسانی در قیمت نفت و بازارهای نفتی در حوزه‌های مختلف دچار آشفتگی می‌شود. مکانیسم‌های تأثیرگذار بر قیمت نفت و نفوذ شرکت‌های بزرگ در تغییر بهای نفت باعث شده است که کنترل و تثبیت قیمت آن خارج از اختیار کشورهای صادرکننده باشد، همین امر اقتصاد کشورهای نفتی را دچار بحران می‌کند و سیاست‌گذاری بلندمدت اقتصادی را با مشکل مواجه می‌سازد. موج جدید تحریم‌های اقتصادی علیه کشورمان وقتی درآمدهای نفتی کشور را هدف گرفت بر همگان مشخص شد که اقتصاد کشور به واقع در مقابل چنین اقداماتی آسیب‌پذیر است و قدرت مانور چندانی ندارد.

بی‌تردید از اصلی‌ترین مؤلفه‌های وجود امنیت ملی پایدار در کشور، برخورداری از اقتصادی قدرتمند و شکوفا در عرصه‌های مختلف است. ایران در حوزه‌های مختلف اقتصادی دارای پتانسیل‌های بالقوه بسیار خوبی است که در صورت به‌فعل درآمدن می‌تواند تضمینی بر ایجاد امنیت ملی پایدار باشند و آستانه تحمل کشور را حتی در مقابل فشارهای خارجی افزایش دهد. به یقین یکی از مهم‌ترین راهبردها برای کاهش وابستگی به نفت و رهایی از اقتصاد نفتی، توجه ویژه به صنعت گردشگری است. صنعت گردشگری در کنار نفت و خودروسازی، یکی از سه منبع عمده تولید درآمد در بسیاری از کشورها محسوب می‌شود (جهانیان، ۱۳۹۵: ۱۵۸) و می‌تواند با کمترین هزینه، زمینه توسعه مداوم و مستمر کشورها را فراهم کند. کشورهای مختلف با استفاده از سرمایه‌گذاری در گردشگری درصدد هستند به اهداف خود مانند تنوع‌بخشی به اقتصاد، اشتغال‌زایی، تعامل فرهنگ‌ها و گفتمان‌ها، حفظ محیط‌زیست و به‌طور کلی توسعه پایدار دست یابند. توسعه گردشگری به‌عنوان مجموعه‌ای از فعالیت‌های اقتصادی، تأثیر بسزایی در تقویت بنیان‌های اقتصادی جوامع دارد و نقش

گردشگری به عنوان منبع جدیدی برای سرمایه‌گذاری، ایجاد اشتغال، کسب درآمد، جذب ارز و تقویت زیرساخت‌های اقتصادی - اجتماعی، تأیید شده است (کاظمی، ۱۳۸۷: ۵۹).

استعدادهای بالقوه ایران در حوزه گردشگری سیاحتی و زیارتی و ویژگی‌های طبیعی، تاریخی و فرهنگی، امتیاز بسیار بزرگی است که با سیاست‌گذاری‌های مدبرانه ممکن است کشورمان را به نخستین مرکز گردشگری در سطح منطقه تبدیل کند. رشد بخش گردشگری در قالب سیاست کلی حرکت به سوی اقتصاد چندوجهی ممکن است پیامدهای مهمی در راستای تقویت امنیت ملی کشور داشته باشد و گام مهمی در راستای رسیدن به امنیت ملی پایدار باشد. در این راستا فرضیه اصلی مقاله این است که صنعت گردشگری برخلاف اقتصاد نفت‌پایه که تضادهای زیادی با امنیت ملی پایدار دارد، تا حد زیادی با مفاهیم و شاخص‌های امنیت ملی پایدار هم‌پوشانی دارد و ممکن است به ایجاد امنیت ملی پایدار در کشور منجر شود. در مقاله حاضر، تلاش خواهیم کرد ضمن تبیین مفهومی نظریه امنیت ملی پایدار، ارتباط امنیت ملی پایدار با اقتصاد نفتی و صنعت گردشگری و نیز با مروری بر وضعیت گردشگری در جمهوری اسلامی ایران، آثار و پیامدهای رشد صنعت گردشگری در تأمین و تقویت امنیت ملی پایدار در کشور را بررسی نماییم.

الف. امنیت ملی پایدار؛ مؤلفه‌ها و ویژگی‌ها

گفتمان امنیت ملی پایدار، گفتمانی نوین در عرصه مطالعات امنیتی محسوب می‌شود. این گفتمان درصدد رسیدن به درجات درخور اتکایی از امنیت در سطح ملی و بین‌المللی است. از این منظر، کشوری از امنیت پایدار برخوردار خواهد بود که نه تنها در کوتاه‌مدت، بلکه در پروسه زمانی بلندمدت، ضمن حفظ تعادل زیستی و بوم‌شناختی خود توانایی پاسخ‌گویی به نیازهای مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در عرصه داخلی را داشته و در عرصه خارجی نیز از جایگاهی مناسب برخوردار بوده است و با کوچک‌ترین تنش، بنیان‌های آن به لرزه در نیاید.

سطح تحلیل امنیت ملی پایدار، نه فرد و نه دولت، بلکه نظامی برآمده از تعامل افراد و گروه‌هاست. اگر دغدغه دولت ملی، حاکمیت و دغدغه افراد حق حیات است، در امنیت ملی پایدار، سخن از بقا و بالندگی هویت فردی، گروهی و حتی ملی است (نصری، ۱۳۸۴: ۳۱۷).

امنیت پایدار بر برخی ناامنی‌های به هم مرتبط و بلندمدت تمرکز می‌کند که اغلب عبارت‌اند از:

۱. تغییر شرایط اقلیمی: نبود زیرساخت‌ها، کمیابی منابع و جابه‌جایی (اجباری) دسته‌جمعی اقوام، نارضایتی مدنی، خشونت طایفه‌ای و بی‌ثباتی بین‌المللی.

۲. رقابت بر سر منابع: رقابت برای منابع کمیاب‌شونده شامل آب، غذا و انرژی به‌ویژه در مناطق بی‌ثبات جهان.

۳. حاشیه‌ای شدن بیشتر جهان: حاشیه‌ای شدن روزافزون از نیروی نظامی به‌عنوان عامل امنیتی و گسترش روزافزون تکنولوژی‌های نظامی از جمله سلاح‌های کشتارجمعی (قیصری و حسینی، ۱۳۹۲: ۹۸).

براین اساس، امنیت پایدار بر نیاز دنیای جدید برای تغییر بنیادین از نگرش کنونی امنیت به مفهوم مدرن‌تری از آن تأکید می‌کند. مفهومی که جهانی شدن امنیت را شامل می‌شود و بر خصوصیت مشترک مردم دنیا، یعنی انسانیت بنا می‌شود. بنابراین امنیت پایدار ترکیبی از سه رهیافت امنیت ملی^۱ یا ایمنی دولت‌های ملی، امنیت انسانی^۲ یا زندگی بهتر و ایمنی برای مردم و امنیت جهانی^۳ یا منافع مشترک همه مردم زمین است. (پورسعید، ۱۳۸۹: ۲۰۸)

به این معنا امنیت پایدار تلفیقی از سه مفهوم امنیت ملی، امنیت انسانی و امنیت جهانی است و بر آن است تا امنیت دولت‌ها را حفظ کند، بدون اینکه امنیت مردم را به خطر اندازد و بدون اینکه تهدیدات متوجه امنیت جهانی همچون ایدز، تهدیدات زیست محیطی، تروریسم و جنایات سازمان‌یافته را تشدید کند (پورسعید، همان: ۲۰۹).

در گفتمان امنیت ملی پایدار، با پذیرش متکثر و گسترده‌بودن گزاره‌های چالش‌ساز و همچنین، وجوه نرم‌افزاری امنیت که در رویکرد متأخر (مدرن) مطرح است، بر نقش و محوریت عامل اجتماع، برای نیل به مراتب بالاتری از ثبات تأکید می‌شود. افراد و گروه‌ها در رویکرد مذکور از جایگاه و نقش برجسته‌ای برخوردارند و امنیت در چارچوب رضایت‌مندی دسترس‌پذیر است. در این نوع از امنیت، فرض بر آن است که دولت-کشور از نخستین و

1. national security

2. human security

3. global security

اصلی‌ترین دغدغه، یعنی بقا خلاص یافته و ممکن است در اندیشه بالندگی و تدارک مخزن مفهومی غنی‌تری برای انطباق‌پذیری (با گفتمان‌های جاری) و گفتمان‌سازی (در مقابل گفتمان‌های رقیب) باشد (عباس‌زاده و کرمی، ۱۳۹۰: ۳۳).

به‌طور خلاصه، امنیت پایدار ممکن است جوامع را برای پیشگیری یا دفاع در برابر تهدیدات متوجه دولت ملی توانمند کند، ناامنی عمیق انسانی را در سراسر جهان کاهش دهد و تهدیدات بلندمدتی را مدیریت کند که متوجه امنیت جهانی است. امنیت پایدار به معنای موازنه‌ای پویا میان عوامل گوناگون و مؤثر اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و... در شرایط زمانی مشخص و متناسب با ویژگی‌های آن جوامع است (قیصری و حسینی: ۱۳۹۲: ۸۷). امنیت پایدار چشم‌اندازی مشترک برای همه اقوام و مردم یک کشور دارد. تنها زمانی که همه اعضای جامعه با یکدیگر برای مقابله با چالش‌های امنیتی همکاری کنند، امنیت مشترک و پایدار دسترس‌پذیر خواهد بود. این امنیت در ذات خود اشتراک هویتی را نشانه می‌رود. شاخص‌های اصلی امنیت پایدار ثبات درازمدت، توسعه، رفاه، حکومت قانون، برابری و عدالت و تلقی مردمی مشروعیت حاکمیت است (قاسمی، ۱۳۸۹: ۶۴).

ب. اقتصاد نفت‌محور و امنیت ملی پایدار

نفت و درآمدهای حاصل از آن اثرات وسیعی را به‌صورت مستقیم و غیر مستقیم بر اقتصاد کشورهای صادرکننده نفت گذاشته است. به‌عنوان مثال در خصوص ایران که دارای ۱۰/۶ درصد از ذخایر نفت جهان و از تولیدکنندگان مهم در بین کشورهای اوپک است در حدود ۶۰ تا ۸۰ درصد از کل درآمدهای ارزی کشور به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم از بخش نفت حاصل می‌شود (رحمانی، گلستانی: ۵۵). اگرچه در سال‌های اخیر اقداماتی به‌منظور کاهش میزان وابستگی اقتصاد کشور به نفت و جایگزینی آن با درآمدهای مالیاتی صورت گرفته است، اما نفت هنوز به‌شکل پیدا و پنهان در اقتصاد ایران نقش اول را دارد، حتی بسیاری از حوزه‌های غیرنفتی اقتصاد نیز در صورت قطع درآمدهای نفتی قادر به ایفای نقش مستقل خودشان نیستند (شاگری و دیگران، ۱۳۹۵: ۸۵).

درعین حال، ذخایر نفتی به عنوان مواد فسیلی، بی انتها و تجدیدپذیر نیستند. ضمن اینکه این نعمت خدادادی در اختیار کشورهای محدودی قرار دارد، بسیاری از صاحب نظران دوره‌ای ۱۰۰ تا ۱۵۰ ساله را برای نهایت بهره‌برداری از این منبع طبیعی در نظر گرفته‌اند. بی‌اطمینانی و فناپذیر بودن این منبع انرژی، از منظر نظریه امنیت پایدار، به طور کامل در تضاد با الگوهای مقبول این نظریه قرار دارد. محدودیت‌ها و پایان‌پذیری ذخایر نفتی، کشورهای تولیدکننده و مصرف‌کننده نفت را به لزوم برنامه‌ریزی برای بهره‌گیری از انرژی‌های طبیعی، پاک و تجدیدپذیر نظیر انرژی خورشیدی، انرژی بادی و گرمای درون زمین هدایت کرده است. امروزه کشورهای توسعه‌یافته و حتی در حال توسعه برنامه‌های میان‌مدت و بلندمدتی برای جایگزینی انرژی فسیلی با این انرژی‌ها را به اجرا گذاشته‌اند به طوری که سال به سال از سهم نفت و مشتقات نفتی در سبد انرژی این کشورها کاسته می‌شود. این امر درعین حال که ارزش و اهمیت نفت را به عنوان کالای استراتژیکی تحت الشعاع قرار می‌دهد اتکای صرف به نفت به عنوان تنها منبع اقتصادی کشور باعث نوعی ناامنی و بی‌ثباتی در برنامه‌ریزی برای آینده شود. از سوی دیگر، برخورداری دولت‌های نفتی از رانت درآمدهای نفتی باعث می‌شود این دولت‌ها نتوانند کارکردهای یک دولت مدرن، کوچک و کارآمد را که در نظریه امنیت پایدار مدنظر است، داشته باشند. باتوجه به تعلق درآمدهای نفتی به دولت، بخش وسیعی از بودجه سالیانه دولت‌های نفتی وابسته به نفت است. به عنوان مثال، برآوردها نشان می‌دهد در اقتصاد ایران بین ۵۰ تا ۴۰ درصد بودجه سالیانه دولت، از صادرات نفت تأمین می‌شود؛ از این رو بخش عمده‌ای از منابع سرمایه‌گذاری دولتی و خصوصی از محل صادرات نفت به دست می‌آید. فروش نفت، به طور تقریبی ۲۱ درصد از تولید ناخالص داخلی ایران را تشکیل می‌دهد (بانک مرکزی، ۱۳۹۳). بر این اساس، اقتصاد ایران به صورت گسترده به صادرات نفت خام وابسته بوده و شوک بازارهای جهانی نفت ممکن است اثری بزرگ بر ساختار اقتصاد کشور داشته باشد.

بی‌ثباتی و نوسان قیمت نفت و فراورده‌های نفتی و مکانیسم تعیین قیمت نفت به گونه‌ای است که سهم کشورهای تولیدکننده در آن بسیار محدود است و این شرکت‌های بزرگ نفتی و قدرت‌های بزرگ اقتصادی هستند که با استفاده از اهرم‌هایی که در اختیار دارند قیمت آن

را افزایش و کاهش می‌دهند. این امر اقتصاد کشورهای تولیدکننده نفت را که بیشتر درآمدهای نفتی تنها منبع درآمدی آنها است را دچار بحران می‌کند. نوسانات شدید قیمت جهانی نفت و تأثیر آن بر درآمد کشورهای صادرکننده آن سبب تحولاتی در ساختار اقتصادی این کشورها به‌ویژه از نظر تغییر ترکیب تولید و نیز تغییر ترکیب کالاهای صادراتی و وارداتی به‌واسطه تغییر رابطه مبادله واقعی بوده است. علاوه بر اهمیت نفت در تولید ناخالص داخلی، نقش آن به‌عنوان منبع جلب ارز خارجی بسیار حائز اهمیت است. واردات بی‌رویه و صادرات وابسته به نفت، اکنون مهم‌ترین چالش اقتصاد کشور ماست (اسماعیل‌پور مقدم، دهباشی، ۱۳۹۵: ۱۸).

عملکرد کشورهای مختلف برخوردار از منابع طبیعی، نشان می‌دهد این ثروت بادآورده ممکن است هم آفریننده و هم مخرب باشد. برای مثال، ثروت حاصل از فروش نفت خام برای کشور توسعه‌یافته‌ای همچون نروژ به‌مثابه موهبت و نعمت عمل کرده و به شکوفایی اقتصادی و افزایش رفاه ساکنان این کشور کمک کرده است. در عوض، این ثروت در کشورهای کمتر توسعه‌یافته‌ای از قبیل نیجریه، ایران، عراق، ونزوئلا و... به‌مثابه نوعی بلا عمل کرده و عملکرد سیاسی و اقتصادی آنها را تحلیل برده است (خوش اخلاق، موسوی محسنی، ۱۳۸۵: ۱۰۱). آنچه در خصوص منابع طبیعی حائز اهمیت است، نحوه مدیریت درآمدهای حاصله است. در نتیجه مدیریت نادرست درآمدهای حاصله از منابع طبیعی، این درآمدها، نه تنها به رشد اقتصادی بیشتر منجر نشده، بلکه اثرات سوء اقتصادی بر جای خواهد گذاشت. در ایران نیز بسیاری از صاحب‌نظران اقتصادی و سیاسی بر این باورند که ثروت نفت اثر سوئی بر ساختار سیاست در کشور داشته است. به این مفهوم که نحوه استفاده از ثروت نفت در کشور به‌گونه‌ای بوده است که نتایج رفاهی و توسعه‌ای مدنظر از آن را به بار نیاورده است، چنان‌که گویی اقتصاد کشور به بیماری هلندی گرفتار شده است (همان: ۱۰۳). با مروری بر کارنامه اقتصادی کشور می‌توان مشاهده نمود که افزایش درآمدهای نفتی در ایران طی دهه‌های گذشته به‌خوبی مدیریت نشده و در عوض سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت، صرف مخارج کوتاه‌مدت شده است که نتیجه آن چیزی جز تورم و افزایش نقدینگی نبوده است (شاکری و دیگران، ۱۳۹۵: ۸۸).

از جنبه‌ای دیگر، اقتصاد مبتنی بر نفت و سوخت‌های فسیلی از منظر آسیب‌های زیست‌محیطی و مخاطراتی که بر امنیت زیست‌محیطی دارد با امنیت پایدار سازگار نیست. در نظریه امنیت پایدار برخلاف نظریه سستی امنیت، مفاهیمی نوینی چون امنیت زیست‌محیطی و حفظ محیط‌زیست از ارزش بسزایی برخوردار است. از منظر نظریه‌پردازان امنیت پایدار کاربرد بدون نظارت، تشخیص و گزینش فناوری، نه تنها جامعه را با بحران زیستی مواجه کرده، بلکه تغییرات ناشی از این سوءاستفاده، به پیدایش الگوهای زندگی ناسازگار با طبیعت انسان انجامیده است (عباس‌زاده، کرمی، ۱۳۹۰: ۴۸). حمایت مردم از طرح‌های مربوط به کاهش و کنترل جمعیت، مشارکت در پاک‌سازی محیط‌زیست، مشارکت در طرح‌های دولت در زمینه مبارزه با آلاینده‌ها، مصرف بهینه انرژی و شکل‌گیری نهادهای مستقل در جهت حفاظت و مشارکت در طرح‌های مربوط به محیط‌زیست، از جمله موضوعاتی است که دغدغه اصلی این نظریه‌پردازان بوده و هست.

ج. گردشگری، پایداری و امنیت ملی

طی سال‌های اخیر سرمایه‌گذاری در صنعت گردشگری مرکز توجه قرار گرفته و از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار شده، به طوری که به محملی برای توسعه کشورهای در حال توسعه و کشورهای فقیر تبدیل شده است. هزینه کم و سود زیاد موجب گسترش سریع این صنعت در دنیا شده است. بسیاری از کشورهای دنیا که اقتصاد آزاد دارند، از گردشگری به عنوان منبع اصلی درآمدهای ارزی استفاده می‌کنند (باسمنجی و حیدری، ۱۳۹۱: ۸۵). صنعت گردشگری طی دهه‌های اخیر رشد خیره‌کننده‌ای داشته که نشان دهنده قدرت و دوام این صنعت با وجود به‌وقوع پیوستن شوک‌های مقطعی است. تعداد مسافران گردشگری جهانی از ۲۵ میلیون نفر در کل جهان در سال ۱۹۵۰ به ۲۷۸ میلیون نفر در سال ۱۹۸۰ و بعد به ۶۷۴ میلیون نفر در سال ۲۰۰۰ و یک میلیارد و ۲۳۵ میلیون نفر در سال ۲۰۱۶ رسید. درآمدهای جهانی صنعت گردشگری از طریق مقاصد بین‌المللی از ۴۹۵ میلیارد در سال ۲۰۰۰ به ۱۲۲۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۶ رسید. انتظار می‌رود بین سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۳۰ هر سال تعداد گردشگران وارد شده به کشورها در سطح بین‌المللی ۳/۳ درصد افزایش پیدا کند و به این ترتیب به ۱/۸

میلیارد نفر تا سال ۲۰۳۰ برسد. مطابق برآورد سازمان گردشگری جهانی سازمان ملل بین سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۳۰، انتظار می‌رود تعداد گردشگران ورودی در مقاصد رو به توسعه (با رشدی ۴/۴ درصدی در سال) با نرخ‌ی دو برابر اقتصادهای توسعه‌یافته (۲/۲ درصد در سال) افزایش یابد (UNWTO, 2017). این آمارها به‌خوبی اهمیت و قابلیت گردشگری در رشد درآمدها، ایجاد اشتغال، فعال کردن بخش‌های خدماتی و حتی تولیدی را نشان می‌دهد. این در حالی است که گردشگری چنانچه مدیرانه مدیریت شود کمترین آثار زیست محیطی را دارد. در گفتمان نوین توسعه که مبتنی بر توسعه پایدار است از نظر کارشناسان، اقتصاد زمانی پایدار است که به پایداری سیستم‌های طبیعی، اجتماعی و انسانی آسیب وارد ننماید (Spangenberg, 2005:59). گردشگری پایدارترین بخش اقتصاد محسوب می‌شود. بر مبنای نظریه پایداری، توسعه زمانی پایدار بوده و با اصول انسانی و اخلاقی سازگار است که در تطور و تداوم آن محیط (اعم از طبیعی و اجتماعی) امکان ثبات، ترمیم، بازسازی و خودپالایی داشته باشد تا از این طریق نیازهای اقتصادی رفع، ارزش‌های انسانی و اجتماعی پایدار ماند و ثبات و تعادل اکولوژیک و طبیعی آن حفظ شود. از این منظر توسعه گردشگری ضمن جلوگیری از آلودگی‌های زیست محیطی، از اتلاف منابع طبیعی جلوگیری کرده، به غنا و انتفاع جامعه محلی کمک کرده و ضمن ایجاد اشتغال و تولید درآمد، اقتصاد کشور را با تعاملات انسانی در عرصه بین‌المللی پیوند می‌زند این امر سبب خواهد شد که اقتصاد در برابر تکانه‌های سیاسی ناشی از رقابت دولت‌ها و اختلافات موجود در نظام بین‌الملل آسیب کمتری ببیند (پورسلیمانی، ۱۳۸۷: ۸). از سوی دیگر توسعه گردشگری سبب تنوع بخشی به اقتصاد فضا شده و کشور را از وابستگی به رانت و اقتصاد تک محصولی نجات می‌دهد ضمن آنکه تنوع بخشی به اقتصاد فضا از طریق گردشگری این امکان را فراهم می‌کند که گردشگری با پیوند با فعالیت‌هایی مانند کشاورزی، صنایع دستی، ساختمان، ترابری و.. که از سودآوری و صرفه اقتصادی کمتری برخوردارند به‌عنوان محرکی آن بخش‌ها را نیز رونق بخشد.

صنعت گردشگری با امنیت پایدار نیز ارتباط نزدیکی پیدا می‌کند. ارزش‌هایی چون سازگاری با محیط زیست و حفاظت از منابع طبیعی برای نسل‌های آینده، جهان‌شمولی، تقویت صلح و ارتباطات فرهنگی و ارزش‌های انسانی، تقویت امنیت جهانی و پرنسنگ شدن

نقش مردم در اداره امور از جمله نقاط مشترک صنعت گردشگری و امنیت پایدار محسوب می‌شوند. بر خلاف تعارضات جدی که بین اقتصاد نفتی و امنیت پایدار وجود دارد، بین ارزش‌ها و امتیازات صنعت گردشگری و شاخص‌های امنیت پایدار وجوه مشترک زیادی وجود دارد. در واقع کشوری که بخش مهمی از درآمدهای اقتصادی خودش را از اقتصاد گردشگری تأمین می‌کند به این معناست که توانسته است هم‌زمان تا حد زیادی به امنیت پایدار نیز برسد. ورود گردشگران خارجی ممکن است تصویر مطلوبی از آن کشور در اذهان عمومی مردم دنیا ایجاد کند و مشوقی برای سفر توریست‌های دیگر به آن کشور شود. در مطالعات حوزه گردشگری گفته می‌شود چنانچه گردشگری خارجی تجربه راضی‌کننده‌ای از سفر به کشوری داشته باشد ممکن است پنجاه گردشگر را برای سفر به آن کشور ترغیب کند (خدایی، ۱۳۸۸: ۵۶). صنعت گردشگری صنعتی است که رونق آن تا حد زیادی به سرمایه‌گذاری خارجی نیازمند است. جذب سرمایه خارجی مستلزم هم‌گرایی کشورها با جامعه بین‌المللی، پرهیز از اقدامات چالش‌زا در سیاست خارجی، تضمین امنیت سرمایه‌گذاری، اصلاح نظام قضایی و انتظامی و سازگاری آن برای راحتی و آرامش هرچه بیشتر گردشگران خارجی است. کشوری که اولویت اول خود را اقتصاد گردشگری تعریف می‌کند به ضرورت ناگزیر است پیش‌نیازهای لازم را در حوزه حقوق مدنی، مسائل قضائی، ایجاد زیرساخت‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، تأمین امنیت و رضایتمندی داخلی ایجاد کند. چنین تحولی ممکن است با تقویت ضریب امنیت ملی به امنیت ملی پایدار منجر شود.

۱. ظرفیت و محدودیت‌های گردشگری ایران

ایران در حوزه صنعت گردشگری از پتانسیل فراوانی برخوردار است. به تصدیق سازمان یونسکو، از نظر وجود آثار تاریخی و فرهنگی، ایران در میان هشت کشور نخست جهان جای دارد و از منظر جاذبه‌های اکوتوریسمی و تنوع اقلیمی جزو پنج کشور برتر دنیاست. طبیعت چهار فصل ایران، وجود دریا، کویر، چشمه‌های آب گرم، حیات وحش متنوع و انحصاری، جاذبه‌های گردشگری مذهبی و تمدن هفت هزار ساله این قابلیت را به ایران بخشیده است که در ردیف‌های نخست گردشگری جهان حرف نخست را بزند (باسمنجی، حیدری، ۱۳۹۱:

۹۸). از سوی دیگر موقعیت جغرافیایی ایران در نزدیکی به منابع جمعیتی بالقوه گردشگری در اروپا، خاورمیانه و جهان عرب و شرق آسیا سبب شده است که ایران از این قابلیت برخوردار باشد تا به مثابه مرکز جغرافیایی تقاضاهای گردشگری ایفای نقش کند. مرکزی که هم‌زمان با موقعیت مناسب، از تنوع آب‌وهوایی، جغرافیای متنوع قومی، مذهبی و فرهنگی و زیست‌بوم‌های منحصربه‌فرد، آثار تاریخی و فرهنگی و مذهبی و حتی زیرساخت‌های لازم برای توسعه گردشگری سلامت و پزشکی نیز برخوردار است.

به‌رغم پتانسیل‌های بالقوه‌ای که ایران در حوزه گردشگری دارد. به‌علل مختلفی این صنعت در کشورمان از جایگاه مناسبی برخوردار نیست. شاخص رقابت‌پذیری گردشگری سنجه مناسبی برای نشان‌دادن وضعیت این صنعت در کشور است. در زمینه شاخص رقابت‌پذیری که متأثر از ۱۴ شاخص در حوزه‌های مختلفی مانند پایداری زیست محیطی، ایمنی و امنیت، بهداشت و درمان، قوانین و رویه‌های سیاسی، خصوصی‌سازی، زیرساخت‌های حمل‌ونقل، زیرساخت‌های گردشگری و اقامتی، فناوری ارتباطات، هزینه‌ها و منابع انسانی است، صنعت گردشگری ایران در میان ۱۳۶ کشور رتبه ۹۶ را دارد. این در حالی است که رتبه کشورهای همسایه مانند قطر، امارات، بحرین و ترکیه زیر ۵۰ است. (World Economic Forum, 2017:10)

جدول ۱. شاخص رقابتی سفر و گردشگری ایران و کشورهای منطقه در سال ۲۰۱۷ (در بین ۱۳۹ کشور)

اسامی کشورها	توانمندسازی محیط	ایمنی و امنیت	سلامتی و بهداشت	منابع انسانی و بازارکار	زیرساخت‌های ICT	اولویت‌بخشی توریسم و سفر	بازبودن بین‌المللی	رقابت‌پذیری قیمت‌ها	پایداری محیطی	زیرساخت حمل‌ونقل هوایی	زیرساخت حمل‌ونقل زمینی و دریایی	زیرساخت‌های خدمات گردشگری	منابع طبیعی	منابع فرهنگی و سفر تجاری	رتبه کلی
ایران	۷۹	۸۷	۹۳	۱۰۵	۹۴	۱۱۷	۱۰۹	۱	۱۱۹	۸۹	۷۵	۱۱۶	۱۰۰	۳۸	۹۳
قطر	۶	۱۰	۴۶	۲۶	۲۳	۶۸	۱۲۱	۱۲	۶۵	۲۵	۲۳	۳۳	۱۳۳	۸۰	۴۷
امارات	۵	۲	۲۳	۲۳	۱۵	۳۱	۷۵	۵۶	۴۰	۳	۱۹	۲۷	۹۱	۵۰	۲۹
ترکیه	۶۳	۱۱۶	۹۴	۹۴	۷۲	۸۷	۵۰	۷۰	۱۲	۱۴	۴۴	۴۲	۷۰	۱۶	۴۴

منبع: مجمع جهانی اقتصاد. ۲۰۱۷

جدول ۲. رتبه ایران در شاخص رقابت پذیری سفر و گردشگری بر اساس گزارش‌های سال‌های ۲۰۱۵ و ۲۰۱۷

تغییرات رتبه	۲۰۱۷ (۱۳۶ کشور)	۲۰۱۵ (۱۴۱ کشور)	شاخص	ردیف
↓	۷۹	۱۱۹	محیط کسب و کار	توانمندسازی محیط
↓	۸۷	۹۶	ایمنی و امنیت	
-	۹۳	۹۳	بهداشت و سلامت	
↓	۱۰۵	۱۱۴	منابع انسانی و بازار کار	
↓	۹۴	۹۸	زیرساخت‌های ICT	
↓	۱۱۷	۱۳۰	اولویت بخشی سفر و گردشگری	سیاست‌های سفر و گردشگری
↓	۱۰۹	۱۱۶	بازبودن بین‌المللی	
-	۱	۱	رقابت پذیری قیمت‌ها	
↑	۱۱۹	۱۱۵	پایداری محیطی	
↓	۸۹	۹۳	زیرساخت‌های حمل و نقل هوایی	زیرساخت‌ها
↓	۷۵	۷۶	زیرساخت‌های زمینی و هوایی	
↓	۱۱۶	۱۱۹	زیرساخت‌های گردشگری	
↑	۱۰۰	۹۸	منابع طبیعی	منابع طبیعی و فرهنگی
↑	۳۸	۳۷	سفر تجاری و منابع فرهنگی	

منبع: مجمع جهانی اقتصاد (WEF)

ایران در مقایسه با کشورهای همسایه خود سهم بسیار ناچیزی از درآمد حوزه گردشگری کسب می‌کند. برابر با آخرین آماري که از سوی سازمان گردشگری و میراث فرهنگی منتشر شده، در سال ۱۳۹۵ تعداد ۴۹۰۱۰۸۳ گردشگر خارجی به ایران وارد شده‌اند که به نسبت سال ۱۳۹۴، ۵/۴ درصد کاهش داشته است. در سال ۱۳۹۶ نیز پنج میلیون و دویست هزار گردشگر خارجی وارد کشور شده است و هر گردشگر خارجی که به ایران وارد می‌شود به‌طور میانگین ۶۸۰ دلار ارزآوری مستقیم داشته است و ۱۳۴۰ دلار در زنجیره هزینه می‌کند که با توجه به شمار گردشگران در سال ۱۳۹۶ رقم ۱۰ میلیارد و ۵۰۴ میلیون دلار ارز وارداتی به دست می‌آید (محب خدایی، ۱۳۹۷). اگرچه مقایسه این رقم با درآمد سال‌های گذشته حاکی از رشد صنعت گردشگری در کشور است، اما سالانه شمار زیادی از ایرانیان نیز با هدف گردش از کشور خارج می‌شوند. چنانچه شکاف حدود ۵۰ درصدی در آمار گردشگران خارجی و گردشگران ایرانی به روشنی می‌تواند گویای مشکلات در صنعت گردشگری کشور باشد (سازمان گردشگری و میراث فرهنگی: ۱۳۹۶).

۲. آثار مثبت گردشگری بر امنیت ملی

از منظر نظریه پایداری در قالب چارچوب‌های امنیت ملی پایدار و گردشگری پایدار توسعه گردشگری منجر به کاهش اتکا به درآمدهای نفتی و تنوع‌بخشی به منابع اقتصاد ملی خواهد شد. صنعت گردشگری، از نظر ارزآوری و ماندگاری منابع، جایگزین مناسبی برای درآمدهای نفتی محسوب می‌شود. گردشگران وقتی به کشوری وارد می‌شوند الزاماً باید هزینه‌هایی را در آن کشور بپردازند مثل هزینه غذا و هزینه محل اقامت، تفریحات، حمل‌ونقل و همچنین پولی که بابت خرید سوغاتی و کالای بومی کشور میزبان می‌پردازند. این هزینه‌ها از طریق ارزی که وارد کشور میزبان می‌کنند باعث رونق اقتصادی کشور میزبان می‌شوند و از این‌رو؛ به گردشگران صادرات نامرئی هم می‌گویند. استفاده صحیح از پتانسیل‌ها و ظرفیت‌های گردشگری ایران ممکن است سودی معادل دو برابر ذخایر نفتی را نصیب کشور کند (رضوانی، ۱۳۸۷: ۶۹). اگر باتوجه‌به مزایای صنعت جهانگردی و تأثیر اقتصادی توسعه این صنعت در درآمدزایی و اشتغال‌زایی کشور تنها به ۳۰ درصد از درآمد صنعت جهانگردی جهان دست پیدا کند، سالانه سودی دو برابر ذخایر نفتی به کشور وارد خواهد شد (مرکز مطالعات خلیج فارس، ۱۳۹۳).

جایگاه دیپلماسی عمومی، پنهان و غیرمستقیم در ارائه و بازنمایی تصویر مثبتی از کشورها در جامعه جهانی امروزه بر کسی پوشیده نیست. امنیت ملی پایدار زمانی محقق خواهد شد که علاوه بر متحدان بین‌المللی و منطقه‌ای سایر بازیگران به‌ویژه افکار عمومی بین‌المللی تصویر مثبتی از کشورها داشته باشد در چنین حالتی است که تمایل برای برقراری روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در این کشورها افزایش یافته و اجماع منفی علیه آنان به‌سختی میسر می‌شود. باتوجه‌به رشد ایران‌هراسی و تبلیغات منفی علیه ایران در کشورهای مختلف، گردشگری ممکن است ابزار و سازوکاری برای مقابله با موج ایران‌هراسی و جلب اعتماد افکار عمومی جهانی درخصوص کشور باشد.

یکی از مهم‌ترین عواملی که به صنعت گردشگری ایران آسیب زده، موج ایران‌هراسی و سیاه‌نمایی گسترده‌ای است که از سوی رقبا و کشورهایی که روابط خصمانه‌ای با جمهوری اسلامی ایران دارند علیه آن تبلیغ می‌کنند. برای مثال نظرسنجی مرکز تحقیقات و پژوهش‌های عربی مستقر در قطر نشان می‌دهد از نظر شهروندان کشورهای منطقه ایران پس از آمریکا و

اسرائیل سومین تهدید جهان عرب است (المركز العربي لأبحاث ودراسة السياسات، ۲۰۱۸: ۳۱۱ و ۳۴۵). صنعت گردشگری به همان میزان که در شرایط کنونی تحریمی کشور، درآمدزا و ارزآور است، ممکن است در صورت مدیریت صحیح و هدفمند به‌عنوان اهرم مناسبی در پیشبرد دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران نیز عمل کند؛ چراکه هر گردشگر خود به سفیر فرهنگی سیار ایران تبدیل خواهد شد و در عمل بسیاری از تبلیغات سوء رسانه‌های گروهی غربی را می‌تواند خنثی کند. هر قدر ورود تعداد گردشگران خارجی به ایران افزایش یابد، امکان ایران‌هراسی و تصویرسازی کاذب درباره آن سخت‌تر و پرهزینه‌تر می‌شود و حتی در صورت اجرا نیز نمی‌تواند تأثیرگذار باشد.

گردشگری همچنین از طریق فعال کردن زنجیره‌های تولید، اشتغال و خدمات ممکن است ابزار و راهبرد مناسبی برای کمک به خروج از رکود بسیاری از بخش‌ها و بهبود وضعیت کسب‌وکار و کاهش بیکاری در کشور باشد. هرچند ایجاد اشتغال هدف عمده توسعه گردشگری نیست ولی بی‌شک توسعه آن با فعالیت و خدماتی سروکار دارد که خودبه‌خود ظرفیت اشتغال را افزایش می‌دهد. از سوی دیگر رونق گردشگری ممکن است به اشتغال غیرمستقیم در بخش‌های کشاورزی و صنایع دستی منجر شود (پورسلیمانی، ۱۳۸۷: ۸). در مجموع سه نوع اشتغال نیروی انسانی (نیروی کار و مدیریت) در خصوص گردشگری تفکیک‌پذیر است:

- اشتغال اولیه: این نوع اشتغال اغلب در فعالیت‌هایی است که برای فراهم آوردن زمینه‌ها و قبل از انجام سفر یا در حین مسافرت به‌منظور اطلاع بیشتر از پتانسیل‌های بهره‌وری قرار دارد؛ فعالیت مؤسسات گردشگری و اطلاع‌رسانی از این نوع است.

- اشتغال در تأمین نیازها: این نوع اشتغال که سهم عمده‌ای از اشتغال در فعالیت‌های گردشگری را شامل می‌شود، در فعالیت‌هایی است که به‌طور مستقیم نیازهای روزمره گردشگر را تا زمانی که در مقصد است، برطرف می‌سازد. این نوع اشتغال دامنه وسیعی را از فعالیت‌ها در حمل‌ونقل، هتل‌داری، رستوران‌ها و فعالیت‌ها در ارائه خدمات تفریحی و ورزشی را شامل می‌شود.

- اشتغال غیرمستقیم: این نوع اشتغال که بیشتر با فعالیت‌های تولیدی مرتبط است هم‌زمان با سرمایه‌گذاری در گردشگری فراهم می‌آید. فعالیت در احداث هتل‌ها و تمامی فعالیت‌ها

قبل از آن، تولید وسایل حمل و نقل (تا جایی که سهم گردشگری را شامل می‌شود) و نیز سهم گردشگری در ایجاد تأسیسات زیربنایی در زمره این نوع اشتغال است (زمانی، ۱۳۷۳: ۳۶). به‌طور کلی در شرایطی که بخش‌های دیگر اقتصادی ظرفیت لازم برای جذب نیروی آماده‌به‌کار را ندارند، بخش گردشگری ممکن است با جذب نیروهای بیکار، تاحد زیادی به وضعیت بازار کار کشور سامان دهد.

توسعه متوازن، همه‌جانبه و پایدار که در آن عدالت اجتماعی و جغرافیایی به‌صورت توأمان در کشور تحقق می‌یابد یکی دیگر از اصول و پیش‌شرط‌های امنیت ملی پایدار است. توسعه نامتوازن و نبود توزیع یکسان درآمدهای ملی از جمله مشکلاتی است که نظام اقتصادی ایران طی دهه‌های گذشته همواره با آن درگیر بوده که بعضاً به بحران‌های امنیتی و رشد جریان‌های گریز از مرکز نیز منجر شده است. با توجه به پراکندگی جاذبه‌های گردشگری ایران در مناطق مختلف کشور، رونق صنعت گردشگری ممکن است باعث رونق اقتصادی توأمان مناطق مختلف کشور شود و به‌نوعی باعث تقسیم ثروت و درآمد ملی شود. حتی بسیاری از مناطق محروم نیز در سایه رونق گردشگری امکان دارد سهم مناسبی در اقتصاد ملی داشته باشند. در این راستا، با توسعه گردشگری جامعه بنیاد^۱ و اکوتوریسم^۲ در مناطق روستایی و مناطق بیابانی نیز ممکن است سهم درخور توجهی در جذب گردشگران و عواید ناشی از آن داشته باشند (الوانی، ۱۳۷۷: ۱۱۳).

تخریب عرصه‌های طبیعی، نابودی آثار فرهنگی، و فراموشی ارزش‌ها و آیین‌های سنتی و بومی از دیدگاه امنیتی ملی پایدار از مصادیق ناامنی در یک کشور است. بدیهی است زمانی که صحبت از گردشگری به‌مثابه جایگزین نفت مطرح می‌شود مراد گردشگری پایدار است؛ چراکه توسعه عنان‌گسیخته گردشگری در برخی کشورها در میان‌مدت و درازمدت آثار منفی را در پی داشته است. گردشگری پایدار، فرایندی است که با بهبود کیفیت زندگی میزبانان، تأمین تقاضای بازدیدکنندگان و به همان نسبت با حفاظت از منابع طبیعی و انسانی در ارتباط است (امراللهی بیوکی و نظری دهقی، ۱۳۹۴). حفظ و نگهداری از عرصه‌های طبیعی و فرهنگی مرمت بازسازی تنها با اتکا به تلاش‌های دولت و نهادهای رسمی امکان‌پذیر نیست. از سوی دیگر به‌دلیل عدم انتفاع جوامع محلی از سرمایه‌ها و منابع محیطی در بسیاری از جوامع انگیزه

1. community-based tourism
2. ecotourism

کافی برای پاسداشت محیط‌زیست و پاسداری از ارزش‌های و آثار فرهنگی و تاریخی وجود ندارد. گردشگری ابزار مناسبی برای تأمین هزینه‌های گراف نگهداری، مرمت و احیای ارزش‌های سنتی، آثار باستانی و تاریخی و عرصه‌های طبیعی است.

۳. موانع و کاستی‌های صنعت گردشگری در ایران

توسعه صنعت گردشگری در ایران با موانع و مشکلات عدیده‌ای روبروست. این موانع و مشکلات وجوه و ابعاد مختلفی دارند. از نظر ریشه و ماهیت اقتصاد رانتهی و درآمد‌های نفتی، ناکارآمدی مدیریت گردشگری کشور، ویژگی نظام سیاسی ایران، نوع نگاه مراجع دینی و روحانیت به مقوله گردشگری، ساختار فرهنگی و اخلاقی جامعه ایران علل اصلی عدم توسعه گردشگری در کشور است.

در نتیجه چنین عواملی فقدان یک برنامه جامع و استراتژیک و همچنین مشخص نبودن هدف‌ها و سیاست‌های ایرانگردی و جهانگردی در قالب یک برنامه اجرایی از مهم‌ترین آسیب‌ها و موانع فراروی توسعه گردشگری در کشور است. ناهمخوانی و ناهماهنگی فرهنگ جهانگردان برخی از کشورهای خارجی با فرهنگ اسلامی از یک سو و نگاه منفی برخی اقشار و شخصیت‌های مذهبی به گردشگران به مثابه کسانی که ممکن است ارزش‌های اسلامی و اخلاقی را تهدید کنند نیز سبب شده است بسیاری از برنامه‌های قانونی و مصوب نیز در میدان اجرا به دلیل ملاحظات فرهنگی و ارزشی فرصت اجرایی نیابد. این امر در کنار فضای نامساعد تبلیغاتی موجود در عرصه بین‌المللی سبب مخدوش شدن چهره ایران در میان گردشگران به موازات انزوای ایران در سطح بین‌المللی شده است. نگرش منفی برخی مراکز و نهادهای فرهنگی و مذهبی سبب اقدامات سلیقه‌ای و محدودکننده از سوی برخی افراد غیرمسئول و وجود نگاه امنیتی به مقوله گردشگری در کشور است.

فقدان نیروی انسانی کارآزموده و متخصص امور جهانگردی در دفاتر ایرانگردی و جهانگردی و بی‌اطلاعی و بی‌تجربگی کادر شاغل در مؤسسات جهانگردی از قبیل خدمت‌گزاران هتل‌ها، کارکنان آژانس و راهنمایان گردشگری در کنار فقدان مؤسسات خبره برای آموزش‌های کاربردی گردشگری از دیگر موانع توسعه گردشگری در ایران است.

فقدان تسهیلات لازم برای بخش خصوصی (مانند پرداخت وام‌های بلندمدت با بهره کم)، واگذاری زمین مناسب با بهای دولتی، حذف تشریفات زاید و دست‌وپاگیر اداری به‌منظور ایجاد هتل‌ها و مراکز رفاهی، تضمین امنیت سرمایه‌گذاری در صنعت توریسم توسط دولت به‌منظور ایجاد انگیزه در بخش خصوصی از دیگر چالش‌ها و موانعی است که صنعت گردشگری با آن روبروست (صیدایی و هدایتی مقدم، ۱۳۸۹: ۹۸).

ضعف کمی و کیفی امکانات رفاهی مناسب در شهرها، روستاها و اطراف مناطق گردشگری و همچنین نامناسب بودن ترابری زمینی، هوایی و دریایی در مقایسه با استانداردهای جهانی در سایه ناهماهنگی و نبود همکاری بین سازمان‌ها و ارگان‌های دولتی که در بهبود وضع جهانگردی مؤثرند، سبب تصمیم‌گیری‌های منفک سازمان‌ها شده (عبدالله‌زاده، ۱۳۷۹: ۱۷) و به تدام وضعیت نامناسب در این عرصه انجامیده است.

آمارهای دقیق مقدمه هرگونه برنامه‌ریزی است. بدیهی است آمار غیردقیق و مخدوش در نهایت اثرات خود را در فرایند برنامه‌ریزی و توسعه گردشگری حتی با فرض دقت در سایر حوزه‌ها نشان خواهد داد. فقدان شفافیت و سامانه جامعی که بتواند داده‌های درآمدهای ایران را در حوزه گردشگری نشان دهد یکی از مشکلات و موانع مهم فراروی توسعه صنعت گردشگری کشور است که حتی سازمان بین‌المللی جهانگردی را نیز برای اعلام گردش مالی صنعت گردشگری در ایران به زحمت می‌اندازد. برابر با اعلام سازمان گردشگری ایران، درآمد گردشگری در سال ۱۳۹۵ نزدیک به ۸ میلیارد دلار بوده است، این درحالی است که سازمان بین‌المللی گردشگری، درآمد ایران گردشگری ایران را ۳/۹ میلیارد دلار اعلام کرده است (Unwto, Tourism, 2016).

د. سازوکارهای توسعه گردشگری در راستای کاهش اتکای به نفت

تمرکز در مدیریت سیاسی، اداری و اقتصادی کشور یکی از مشکلاتی است که ایجاد توازن در بخش‌ها، رشد فعالیت‌های بخش خصوصی و تصمیم‌گیری ذی‌نفعان فعالیت‌ها ازجمله در گردشگری را دشوار کرده است. تمرکز شدید قدرت و اقتدار سیاسی، سیطره مالکیت دولتی، تمرکز سازمانی در حکومت، دامنه وسیعی از کنترل‌ها و انکار پلورالیسم اجتماعی و درنهایت،

ساختارهای بوروکراتیک از جمله ویژگی‌های سیستم‌های اقتصادی متمرکز است. از جمله محتمل‌ترین نتایج چنین شرایطی در کشورهای در حال توسعه، به حاشیه رانده شدن بخش خصوصی در داخل و کاهش میزان سرمایه‌گذاری خارجی در زیرساخت‌های صنعت گردشگری است (لطفی و همکاران، ۱۳۸۷: ۹۷). برای رهایی از چنین وضعیتی به گونه‌ای که به تحقق امنیت ملی پایدار در ابعاد مختلف آن بیانجامد نبود تمرکز سیاسی و اقتصادی، واگذاری تصمیمات به واحدهای محلی، اصناف و اتحادیه‌های صنفی، افزایش اختیارات به شوراهای و جوامع محلی از مهم‌ترین سازوکارهاست. سازوکارهایی که در کشورهای پیشرو در صنعت گردشگری خود را در قالب گردشگری جامعه بنیاد و جامعه محور نشان داده است.

خصوصی‌سازی منجر به کاهش سیطره دولت در تصمیم‌گیری و افزایش رغبت سرمایه‌داران، سرمایه‌گذاران و جوامع و تعاونی‌های محلی برای مشارکت و فعالیت در صنعت گردشگری است. امروزه گفتمان غالب در توسعه گردشگری در دنیا توسعه گردشگری با اهتمام بخش خصوصی و اتحادیه‌ها و تعاونی‌های محلی در سایه نظارت دولت حتی در بخش‌هایی مانند گردشگری طبیعی و تاریخی است، اما سیطره دولت بر مدیریت گردشگری در ایران منجر به رکود و بی‌رونی این حوزه و جلوگیری از ورود نظام‌مند بخش خصوصی و سرمایه‌گذاری در این حوزه شده است. بدیهی است خصوصی‌سازی حتی با اتکا به سرمایه‌های خارجی ممکن است ضمن توسعه گردشگری و رشد عواید اقتصادی ناشی از آن به پایداری امنیت ملی کمک کند.

توسعه زیرساخت‌های عمومی با حمایت و نظارت دولت و مشارکت و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی از دیگر سازوکارهایی است که به توسعه گردشگری در کشور کمک می‌کند در مناطقی که به دلایلی امکان سرمایه‌گذاری بخش خصوصی محدود است دولت می‌تواند با توسعه سرمایه‌گذاری‌های پیشران، فضا را برای استقبال بخش خصوصی و توسعه زیرساخت‌های گردشگری فراهم کند. هم‌اکنون در کنار مسائل سیاسی و فرهنگی، عدم توسعه زیرساخت‌ها از مشکلات مهم گردشگری کشور است. برای مثال ایران از نظر کیفیت زیرساخت حمل‌ونقل هوایی و زیرساخت‌های خدمات گردشگری به ترتیب رتبه ۱۱۰ و ۱۱۶ را در میان ۱۳۶ کشور داراست (World Economic Forum, 2017: 189). ایجاد ظرفیت‌های

جدید در هتلینگ و توسعه کمپینگ‌های^۱ گردشگری، بهبود زیرساخت‌های حمل و نقل، توسعه ناوگان هوایی، توسعه مراکز بهداشتی روستایی و بهبود وضعیت سرویس‌های بهداشتی، رستوران‌ها و واحدهای پذیرایی از اقدامات لازم در این زمینه است.

نیروی انسانی فعلی در بخش گردشگری از کیفیت لازم برای سرویس‌دهی و راهنمایی گردشگران به‌ویژه جهانگردان برخوردار نیست. در اصل نیروی انسانی فعال در بخش گردشگری، زمانی می‌تواند در توسعه این صنعت کارآمد عمل کند که از آموزش‌های لازم برخوردار باشد، از این‌رو کمیت و کیفیت آموزش در این بخش ممکن است از جمله فاکتورهای بسیار مهم و اثرگذار به شمار رود؛ به همین دلیل، تأسیس و گسترش مراکزی که تربیت نیروی انسانی این صنعت را عهده‌دار شوند در سیاست‌گذاری‌های آموزشی، تأکید و توصیه می‌شود. از سوی دیگر لازم است به این نکته توجه شود که طراحی دوره آموزشی و محتوای برنامه آموزشی، باید متناسب با تقاضا و نیازهای فراگیران و احتیاجات صنعت گردشگری صورت پذیرد (بنادرویش، ۱۳۹۰: ۳۴). هم‌اکنون مؤسسات دولتی و خصوصی فراوانی در عرصه آموزش گردشگری، هتل‌داری و تربیت راهنمایان گردشگری فعالند، اما غالب این مؤسسات از کیفیت بسیار ناچیزی برخوردارند و وانگهی مواد آموزشی آنها نیز متناسب با نیازهای بازار گردشگری ایران نیست.

مدیریت تبلیغات منفی علیه ایران از یک سو و بهبود امنیت در مناطق مستعد کنش‌های منفی و خشونت‌آمیز علیه گردشگران و حتی شهروندان عادی از سوی دیگر از اقدامات و سازوکارهایی است که ممکن است به افزایش استقبال جهانگردان برای مسافرت به ایران و توسعه گردشگری داخلی منجر شود. چراکه میان گردشگری و امنیت، ارتباط متقابلی وجود دارد. امنیت، در وهله نخست آرامش و ثبات، شرط لازم برای توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جوامع و به تبع آن توسعه زیرساخت‌های گردشگری محسوب می‌شوند. بی‌گمان مناطقی که دچار ناامنی، جنگ و آشوب می‌شوند، استعداد خود را برای رشد و توسعه از دست می‌دهند و علاوه بر اینکه گردشگران تمایلی به بازدید از مناطق ناامن و بحرانی ندارند، در صورت شدت بحران، افراد محلی نیز برای تأمین امنیت خود و خانواده اقدام به مهاجرت می‌کنند. همچنین مسئله امنیت یا

نبود امنیت تنها به بود یا نبود جنگ، آشوب و بحران در جوامع محدود نمی‌شود؛ بلکه تمامی آسیب‌های اجتماعی که موجب از بین رفتن یا کاهش احساس امنیت در جوامع محلی و گردشگران می‌شود را نیز دربر می‌گیرد (کاظمی، ۱۳۸۵: ۷۸). به‌طور کلی برای دست‌یافتن به اقتصادی پایدار مبتنی بر گردشگری گفتمان امنیت ملی نیز باید به‌سوی امنیت ملی پایدار سوق یابد که در آن احترام به تنوع جامعه ملی و بین‌المللی، ترویج احترام متقابل به فرهنگ‌های مختلف جهان و نظام‌های اجتماعی کشورهای مختلف، پرهیز از تنش و هم‌زیستی صلح‌آمیز اصولی اساسی است (قاسمی، ۱۳۸۹: ۱۰). بهبود امنیت عمومی، جلوگیری از عملیات تروریستی، مدیریت انتظامی و امنیتی مناطق مرزی، ایجاد پلیس گردشگری با هدف تأمین امنیت گردشگران سازوکارهایی است که کشور را از منظر جهانگردان و سرمایه‌گذاران بخش گردشگری امن جلوه می‌دهد.

در کنار توسعه زیرساخت‌ها، بهبود امنیت و تربیت نیروی آموزش‌دیده و ماهر در بخش گردشگری منجر به توسعه محصول گردشگری کشور می‌شود. تبلیغات نقش مؤثری در بازاریابی گردشگری کشور ایفا می‌کند، به‌گونه‌ای که می‌توان مدعی شد رسانه‌ها تریبون و بهترین صنعت گردشگری کشورها محسوب می‌شوند. در این راستا تبلیغات بخش خصوصی، گردشگری را از ورود جدی دولت برای جلب مشتریان و بازدیدکنندگان بین‌المللی بی‌نیاز نمی‌کند. بنگاه‌های تبلیغات و شبکه‌های تلویزیونی بین‌المللی، روزنامه‌ها، اطلس‌ها، کتاب‌ها، صنعت سینما، فستیوال‌های هنری، مسابقات بین‌المللی ورزشی و فناوری اطلاعات و ارتباطات می‌توانند نقش مهمی در تبلیغ مستقیم و غیرمستقیم گردشگری کشور داشته باشند. این در حالی است که امروزه درباره بسیاری از مناطق، عرصه‌های طبیعی، بناهای تاریخی و فرهنگی و شهرها حتی در فضای مجازی و وبگاه‌های اینترنتی فارسی‌زبان نیز اطلاعاتی وجود ندارد.

نتیجه‌گیری

برنامه تغییر ساختار اقتصادی کشور از اقتصاد تک محصولی نفتی به اقتصاد متنوع و چندپایه با شرایطی که جمهوری اسلامی ایران از نظر منزلت بین‌المللی و منطقه‌ای و شرایط اقتصادی و اجتماعی داخلی دارد؛ حرکتی بسیار دشوار با موانع فراوان است که نیازمند عزم ملی و بسیج همه امکانات و ساختارها است که درعین حال نیز گریزی از آن نیست. برای اجرای چنین سیاستی،

می‌بایست اصلاح وضعیت اقتصادی کشور به اولویت اصلی تمام ارکان سیاسی، اقتصادی و حتی نظامی تبدیل شود و تمام سیاست‌گذاری‌های متناسب با آن تعریف شود. اتخاذ چنین رویکردی بی‌گمان نیازمند اجماع تصمیم‌گیری در سطوح عالی کشور است. بخش مهمی از فرمایشات مقام معظم رهبری در خصوص اقتصاد مقاومتی ناظر بر همین بحث است که می‌بایست ضمن پرهیز از شعارزدگی در کارگروه‌های تخصصی با حضور صاحب‌نظران اقتصادی کشور و بهره‌گیری از تجارب دیگر کشورها به صورت برنامه‌ عملیاتی مدون ارائه شود.

کثرت‌گرایی در منابع اقتصاد کشور ضرورتی است که اگر امروز و به صورت اختیاری مورد اقبال قرار نگیرد، چه بسا در آینده‌ای میان‌مدت و بلندمدت تحت اجبار ناگزیر باید مورد گزینش قرار گیرد. بی‌گمان یکی از حوزه‌هایی که ممکن است جایگزین مناسبی برای اقتصاد نفتی کشور شود، صنعت گردشگری است. مهیاشدن همه فاکتورهای رونق این صنعت مدرن در کشور ممکن است به بسیاری از مسائلی که هم‌اکنون با آنها مواجه هستیم، پایان دهد. در مقاله حاضر کوشیدیم نشان دهیم که رونق اقتصاد مبتنی بر صنعت گردشگری ممکن است در حوزه‌های مختلف به تأمین امنیت ملی پایدار در کشور کمک کند.

منابع

- اسماعیل پور مقدم، هادی؛ دهباشی، وحید (۱۳۹۵) «بررسی رابطه توسعه پایدار گردشگری با امنیت سرمایه‌گذاری با تأکید بر اقتصاد مقاومتی»، **فصلنامه علمی - پژوهشی جغرافیا (برنامه‌ریزی منطقه‌ای)**، سال هفتم، شماره اول، زمستان، صص ۱۵-۲۸.
- الوانی، مهدی (۱۳۷۷) جهانگردی و توسعه، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات سیاحتی.
- امرالهی بیوکی، ناهید؛ نظری دهقی، اعظم (۱۳۹۴) «اثرات تصویر ذهنی گردشگران شهر اصفهان بر توسعه گردشگری پایدار آن»، **فصلنامه مطالعات مدیریت گردشگری**، - شماره ۳۱، صص ۱۰۳ تا ۱۲۹.
- باسمنجی، بابک؛ حیدری، رضا (۱۳۹۱) «بررسی رابطه توسعه پایدار گردشگری با امنیت اجتماعی و سرمایه‌گذاری»، **فصلنامه دانش انتظامی آذربایجان شرقی**، سال دوم، شماره ۷، زمستان، صص ۸۳-۱۰۲.
- بنادرویش، فاطمه (۱۳۸۲) «نقش دولت و مدیریت بخش عمومی در پیشبرد و ارتقاء برنامه‌های جهانگردی»، **فصلنامه مطالعات مدیریت گردشگری**، دوره ۱، شماره ۱، صص ۲۳-۳۸.
- بوزان، باری (۱۳۸۹) **مردم، دولت‌ها و هراس**، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، چ دوم، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بوزان، باری، الی ویور و پاپ دو ویلد (۱۳۸۶)، **چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت**، ترجمه علی رضا طیب، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بی‌نا (۱۳۹۷) «بررسی وضعیت وابستگی اقتصاد کشور به درآمدهای نفتی و راهکارهای عملی پرونرفت از آن» قابل دسترسی در تارنمای ذیل: <http://www.energyinformation.ir/2016-06-21-07-55-39/item/2174-2017-10-16>
- پورسعید، فرزاد (۱۳۸۹) «امنیت پایدار و سیاستگذاری قومی در ایران؛ فرآیندها و مؤلفه‌ها»، **مجموعه مقالات، برگزیده اولین همایش ملی قومیت، همگرایی ملی و امنیت پایدار**، ارومیه: شرکت تعاونی انتشارت دنیای کتاب واژه ارومیه.
- پورسلیمانی، علی‌قلی (۱۳۸۷) «مقایسه صنعت گردشگری در ایران و ترکیه»، **دو ماهنامه مدیریت**، سال نوزدهم، شماره ۱۳۷ - ۱۳۸، مهر و آبان.
- جعفری، علی‌اکبر؛ ذولفقاری، وحید (۱۳۹۳) «امنیت ملی و توسعه پایدار: پارادایم پساواشنگتنی و حکمروائی خوب»، **فصلنامه علمی پژوهشی سیاست جهانی**، دوره سوم، شماره سوم، پاییز، صص ۶۵-۹۴.
- جهانیان، منوچهر (۱۳۹۵) «نقش دولت در توسعه اقتصاد گردشگری ایران با محوریت اقتصاد مقاومتی»، **فصلنامه گردشگری و توسعه**، سال پنجم، شماره ۹، صص ۱۷۷ - ۱۵۶.
- خدایی، حامد (۱۳۸۸) «رابطه متقابل امنیت، گردشگری و توسعه پایدار اقتصادی»، **مجموعه مقالات برگزیده اولیه همایش ملی امنیت و توسعه پایدار گردشگری**، اصفهان، آذرماه ۱۳۸۸.

- خوش اخلاقی، رحمان؛ موسوی محسنی، رضا (۱۳۸۵) «شوک‌های نفتی و پدیده بیماری هلندی در اقتصاد ایران: یک الگوی محاسبه‌پذیر تعادل عمومی»، *مجله تحقیقات اقتصادی*، شماره ۷۷، صص ۹۷-۱۱۷.
- رحمانی، تیمور؛ گلستانی، ماندانا (۱۳۸۸) «تحلیلی از نفرین منابع طبیعی و رانت‌جویی بر توزیع درآمد در کشورهای منتخب نفت‌خیز»، *تحقیقات اقتصادی*، شماره ۸۹، صص ۵۱-۶۸.
- رضوانی، محمدرضا (۱۳۸۷) *توسعه گردشگری روستایی با رویکرد گردشگری پایدار*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول.
- رهبر، عباسعلی؛ عباس‌زاده، هادی؛ رجب‌زاده، علی (۱۳۹۲) «نقش و جایگاه سرمایه اجتماعی در تدارک امنیت ملی پایدار ایران در دهه ۱۳۸۰»، *فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی*، سال پنجم، شماره ۳۵، پاییز، صص ۱۷۵-۱۹۵.
- زنگی‌آبادی، علی؛ محمدی، جمال؛ زیرک‌باش، دیبا (۱۳۸۵) «تحلیل گردشگری داخلی شهر اصفهان»، *مجله جغرافیا و توسعه*، سال چهارم، شماره پیاپی ۸، پاییز و زمستان.
- سازمان گردشگری و میراث فرهنگی کشور (۱۳۹۶) *منتخب آمارهای گردشگران بین‌المللی ایران در پنج ماهه نخست سال ۱۳۹۶*، قابل دسترسی در تارنمای ذیل: <http://www.ichto.ir/Portals/0/pdf/tourist-statistics/96-2.pdf>
- شاکری، عباس؛ محمدی، تیمور؛ نجفی، حامد (۱۳۹۵) «مبانی نظری و محاسبه شاخص آسیب‌پذیری نفت برای کشورهای صادرکننده نفت (مطالعه موردی ایران)»، *پژوهشنامه اقتصاد انرژی ایران*، سال پنجم، شماره ۱۹، تابستان، صص ۷۹-۱۱۱.
- صیادی، اسکندر؛ هدایتی مقدم، زهرا (۱۳۸۹) «نقش امنیت در توسعه گردشگری»، *فصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد شوشتر*، سال چهارم، شماره هشتم، بهار، صص ۹۷-۱۱۰.
- عباس‌زاده، هادی؛ کرمی، کامران (۱۳۹۰) «سرمایه اجتماعی و امنیت ملی پایدار»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال چهاردهم، شماره اول، بهار، صص ۳۲-۵۵.
- عبدالله‌زاده، محمود (۱۳۷۹) *برنامه‌ریزی ملی و منطقه‌ای جهانگردی*، تهران: نشر دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- قاسمی، صفت‌الله (۱۳۸۹) *امنیت پایدار*، تهران: دانشگاه امام حسین (ع).
- قبادی، فرخ (۱۳۸۷) «بیماری هلندی در اقتصاد ایران»، *روزنامه دنیای اقتصاد*.
- قیصری، نورالله؛ حسینی، مهدی (۱۳۹۲) «ابعاد و شاخص‌های امنیت پایدار؛ مبتنی بر مدل مهندسی همگرایی ملی»، *فصلنامه آفاق امنیت*، سال پنجم، شماره بیستم - پاییز، صص ۷۱-۱۰۷.
- کاظمی، مهدی (۱۳۸۵) *مدیریت گردشگری*، تهران: انتشارات سمت.
- لطفی، حیدر؛ سلطانی، ناصر و اقبالی، ناصر (۱۳۸۷) *گردشگری، دولت و اقتصاد سیاسی در ایران*.
- فصلنامه برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی*، دوره ۳، شماره ۷، زمستان ۱۳۸۷، صص ۸۷-۱۱۰.
- ماندل، رابرت (۱۳۷۷) *چهره متغیر امنیت ملی*، ترجمه ناشر، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- محب‌خدایی، محمد، (۱۳۹۷) *ارزآوری ۱۰ میلیارد دلاری گردشگران خارجی*، کد ۰۹/۰۵/۱۳۹۷ ۲۸۹۲۳۳ قابل دسترسی در تارنمای ذیل: <http://www.eghtesadonline.com/289233/87>
- المركز العربي لأبحاث ودراسة السياسات (۲۰۱۸) *المؤشر العربي*، برنامج قياس الرأي العام العربي، الطعنين، قطر.
- مركز مطالعات خليج فارس (۱۳۹۳) «گردشگری و توسعه پایدار»، ۱۳۹۳/۲/۱۷، قابل دسترسی در تارنمای ذیل: <http://www.persiangulfstudies.com/fa/index.asp?p=Search>

نصری، قدیر (۱۳۸۴) «جامعه‌شناسی امنیت ملی: مطالعه موردی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال هشتم، شماره ۲ (پیاپی ۲۸).

نصری، قدیر (۱۳۸۷) *مبانی هویت ایرانی*، تهران: انتشارات تمدن ایرانی.

Spangenberg, J.H. (2005) Economic sustainability of the economy: concepts and indicators, *International Journal of Sustainable Development*, Vol. 8, Nos. 2/1, pp. 47-64.

World Economic Forum (2017) *The Travel & Tourism Competitiveness Report 2017 Paving the way for a more sustainable and inclusive future*, Geneva.

Unwto, Tourism (2007) "Highlights 2007 edition": www.unwto.com.